

# نقش زنان متخصص در اجتماع

فرانک عربی

(کارشناس منابع انسانی شرکت سایپا دیزل)

به دنبال اتمام دهه ۸۵-۱۹۷۵ که تحت عنوان دهه بین‌المللی زن نام گرفته بود، شاخه‌ای تحت عنوان زنان در سازمان توسعه و برنامه عمران سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۷ تأسیس شد. در جلساتی که در دهه مزبور توسط ۱۵۷ کشور عضو سازمان ملل متحد به منظور تبادل تجارب و اطلاعات مربوط به فعالیتهای زنان برگزار شد اطلاعات کلان زیر به دست آمد:

۱/۲ کل جمعیت جهان ۲/۳ ساعت کار انجام شده و ۱/۳ ساعت کار ثبت شده،

۱/۱۰ درآمد جهانی و ۱/۱۰۰ مالکیت ثبت شده اموال و داراییها را به خود اختصاص داده‌اند. مقایسه آمار و ارقام نشان می‌دهد، با اینکه تیمی از کل جمعیت جهان زنان هستند و سطح بسیار بالایی از ساعات کار انجام شده توسط آنان صورت می‌گیرد، با این حال میزان درآمد و اموال و دارایی آنها چقدر کم می‌باشد.

در ابتدا واژه‌های اشتغال و توسعه در تعریف می‌شود:

□ اشتغال: در معنای جمعی، مجموع فعالیتهای اقتصادی یک ملت در ارتباط با افرادی که حائز شرایط کارند در بر می‌گیرد. اشتغال کامل به عنوان احراز اشتغال اقتصادی توسط تمامی افراد فعال است و زمانی تحقق می‌پذیرد که تمامی افراد واجد شرایط کار مفروض به داشتن فعالیتی باشند.

□ توسعه: در معنای اخلاقی یا زیستی به معنای گسترش شکوفایی، بسط و رشد است. از

دیدگاه اجتماعی، توسعه رشدی هماهنگ، همبسته، موزون در همه ابعاد مالی، روانی و معنوی می‌باشد.

پس تفاوت توسعه با رشد در گستردگی معنای آن است. درحالی که رشد به معنای بسط زیربنای اقتصادی است و توسعه نه تنها متضمن رشد بلکه مستلزم آن است که همه ابعاد مادی حیات به صورت هماهنگ شکوفا شوند و تنها رشد مادی به گستردگی فنون نیانجامد بلکه رشد مادی در خدمت انسان، تعالی و رفاه وی باشد.

#### □ تئوریهای توسعه:

##### ۱- نظریه توسعه

الف) این نظریه معتقد به تکامل جوامع است بدین معنی که توسعه را در تکامل جوامع سنتی به سوی مدرن یا معیشتی به صنعتی می‌داند که مثلاً اسپنسر، دورکهایم، تونیس معتقد به دو نوع جامعه بودند که به نام جامعه سنتی و مدرن در مرحله تکامل از سوی یکی به دیگری جامعه هدایت می‌گردد.

ب) این نظریه به عوامل درونی توسعه اعتقاد دارد. یعنی علت توسعه نیافتگی جهان سوم در عوامل درونی مثل فقدان سرمایه، سطوح نازل تکنولوژی و عدم علاقه مردم این جوامع به توسعه یا نوآوری.

ج) این نظریه به تکامل تک خطی

قائل می‌باشد، بدین معنی که همه کشورها باید طبق مراحل پیش‌بینی شده همان راه را طی کنند و راه دیگری برای توسعه و تکامل وجود ندارد.

**در جامعه‌ای که فرصتهای اشتغال با برخورداری از قابلیت انسان گسترش می‌یابد، امکان دارد زنان بیشتر به مشاغل دسته دوم هدایت شوند. این امر به خاطر این است که زنان به آموزش و تربیت حرفه‌ای دسترسی کامل پیدا نکرده‌اند و هنوز هم از کار کردن در جامعه کاملاً مأیوس نشده‌اند. لذا این مشاغل را از روی نساچاری می‌پذیرند.**

د) اینها معتقدند که کشورهای توسعه نیافته کنونی باید از الگوی توسعه جوامع پیشرفته صنعتی امروزی پیروی نمایند.

##### ۲- نظریه‌های رادیکال

الف) این نظریه معتقد به عوامل بیرونی است، بدین معنی که پدیده توسعه نیافتگی را در ارتباط با عوامل بیرونی دانسته و معتقد است که این پدیده به نحوی از بیرون به این جوامع اعمال شده است و تا هنگامی که این عوامل بیرونی برقرار باشند توسعه کشورهای توسعه

نیافته امکان‌پذیر نخواهد بود. ب) این نظریه معتقد به توسعه چند خطی است، هر کشور طبق ویژگیهای جغرافیائی - جمعیتی - اقتصادی و فرهنگی به طریقی توسعه می‌یابد که برحسب نقشهای ساختاری نظام اقتصادی - اجتماعی هریک تعیین می‌شود.

ج) کشورهای توسعه نیافته نه می‌توانند از الگوی توسعه کشورهای توسعه یافته برای خود استفاده کنند و نه عملاً استفاده می‌کنند. توسعه کشورهای جهان سوم به هیچ وجه از طریق تکامل درونی خودشان رخ نمی‌دهد، بلکه باید از نظام سرمایه‌داری جهانی قطع رابطه کرده و شیوه توسعه خاص را در پیش گیرند، یکی از نظریات مطرح شده نظریه وابستگی می‌باشد.

##### ویژگیهای جمعیتی زنان شاغل به کار در ایران

برطبق سرشماری سال ۱۳۶۵ از حدود ۵۰ میلیون نفر مرد و زن ایرانی ۲۴۱۶۴۰۴۹ نفر یعنی در حدود نیمی از جمعیت کل کشور را زنان تشکیل می‌دهند.

با وجود افزایش حدود ۱۵۰٪ بر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در خلال سالهای ۶۵-۱۳۳۵ جمعیت فعال تا سال ۱۳۵۵ روند افزایشی داشته و در طول دهه

۶۵-۱۳۵۵ کاهش یافته است. با توجه به رشد جمعیت، این کاهش اشتغال زنان کمی بعید به نظر می‌رسد البته با کمی تأمل در شاخصهای سواد و تخصیص و مهارت حرفه‌ای به نظر می‌رسد تا حدی توجیه شود. عمومیت یافتن تحصیل و به تبع آن دیر شدن زنان به بازار کار می‌باشد.

### نوع مشاغل زنان

براساس آمار سال ۱۳۶۵ تمرکز زنان در بعضی از مشاغل به چشم می‌خورد و این امر نشانگر آن است که عملاً امکان یافتن مشاغل متنوع دیگر برای ایشان نبوده و عدم حضور در مشاغل دیگر در کاهش میزان اشتغال زنان می‌تواند مؤثر باشد. تمرکز زنان بیشتر در مشاغل علمی و تخصصی است و در زیرگروه آن اکثریت با معلمین، مدرسین، دندانپزشکان و پزشکان و دامپزشکان می‌باشد. با اختلاف زیادی در رده بعدی کارگران مشاغل تولیدی و امور حمل و نقل و در زیر گروه آن اکثریت با لیاف‌کاران، بافندگان و کشفافان هستند و در رده سوم کشاورزان، دامداران، جنگلداران قرار دارند.

طبق آمار، اکثریت زنان شاغل، کارکنان مشاغل علمی و تخصصی می‌باشند و برای اینکه اینگونه مشاغل را کسب نمایند لزوماً می‌باید تخصصهای لازم را بیابند. به همین دلیل تا دریافت تخصصهای لازم وارد بازار کار نمی‌شوند،

لذا میزان فعالیت زنان کم می‌شود.

### وضعیت زنان در جهان

زنان که اکثریتی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، سهم اندکی از فرصتهای توسعه‌ای را دارند. آنان اغلب از تعلیم و تربیت و کارهای بهتر و همچنین بهداشت محرومند.

#### ۱- سواد

زنان خیلی کمتر از مردان امکان با سواد شدن دارند. در جنوب آسیا نرخ سواد زنان حدود ۵۰٪ مردان است و در بسیاری از کشورها بدتر از این می‌باشد. در نپال ۳۵٪ سیرالئون ۳۷٪، سودان ۲۷٪ و در افغانستان ۳۲٪ زنان نسبت به مردان با سوادند. ۲/۳ زنان نسبت به مردان با سوادند. ۲/۳ بیسوادان دنیا را زنان تشکیل می‌دهند.

#### ۲- تحصیلات عالی

زنان در کشورهای در حال توسعه از مردان بسیار عقب‌تر هستند، در آفریقا زنان ۱/۳ مردان از تحصیلات عالی برخوردارند. حتی در کشورهای صنعتی انسان در فعالیتهای علمی و تکنیکی ضعیف هستند، چنانکه نسبت زنان به مردان در زمینه تحصیلات عالی در اسپانیا ۲۸٪، در اطریش ۲۵٪ و در کانادا این رقم ۲۹٪ می‌باشد.

#### ۳- اشتغال

در کشورهای در حال توسعه، زنان فرصتهای کمی برای اشتغال و کار دارند. نرخ مشارکت آنان به طور متوسط ۵۰٪

در کشورهای در حال توسعه، زنان فرصتهای کمی برای اشتغال و کار دارند. نرخ مشارکت آنان به طور متوسط ۵۰٪ مردان است. حتی وقتی آنان کار پیدا می‌کنند دستمزدشان خیلی کمتر است.

در بیشتر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه زنان در بعضی از مشاغل مانند معلمی، مدرسی، پزشکی و پرستاری متمرکزند. از آنجا که اگر نیروی انسانی در یک بخش متراکم شود نیروی کار ارزان می‌شود و رقابت جهت کسب آن حرفه بیشتر می‌گردد، لذا امکان دستیابی به شغل برای همه زنان موجود نیست و اغلب دچار یأس شده و در خانه می‌مانند. در حالی که اگر دامنه نوع مشاغل را گسترده‌تر نماییم درخصوص مشاغلی که با روحیه زنان سازگاری بیشتری دارد در این زمینه رشد بیشتری خواهیم داشت. البته عمومیت یافتن سواد، تخصصهای بالا برای زنان، خود یکی از شاخصهای توسعه است که جامعه ما در این جهت گام مؤثری برداشته است.

مردان است. حتی وقتی آنان کار پیدا می‌کنند دستمزدها خیلی کمتر است. در جمهوری کره، دستمزد زنان فقط ۴۷٪ دستمزد مردان است. تبعیض در حقوق و دستمزد مشخصه کشورهای صنعتی هم هست.

در ژاپن، زنان ۵۱٪ حقوق مردان را اخذ می‌نمایند، زنان در واقع کارهای بدون مزد نگهداری بچه و کارهای خانگی را انجام می‌دهند که درآمد ملی محسوب نمی‌شوند. در بعضی از کشورها هنوز زنان حق مالکیت دارایی را ندارند و آنان حق ندارند وام و قرض بگیرند. یعنی فاقد شخصیت حقوقی می‌باشند.

#### ۴- بهداشت

زنان به طور متوسط بیشتر از مردان عمر می‌کنند اما در بعضی از کشورهای آسیایی و شمال آفریقا این تفاوت به چشم نمی‌خورد و حتی گاهی امید زندگی برای آنان کمتر است. به نظر می‌رسد ۱۰۰ میلیون نفر از زنان آسیایی در حال از بین رفتن هستند. یکی از خطرات برای سلامتی زنان تولد فرزندان است. مرگهای ناشی از زایمان در کشورهای در حال توسعه ۱۵ برابر بیشتر از کشورهای صنعتی است.

#### زنان در ژاپن

علی‌رغم اینکه در میان کشورهای دیگر در سطوح بالاتری از نظر توسعه

انسانی قرار دارد، با این وصف در آن کشور هم بین زنان و مردان نابرابریهایی دیده می‌شود. شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۳ ژاپن را در مرتبه نخست قرار می‌دهد. اما در تبعیض جنسی ژاپن به شماره ۱۷ تنزل می‌یابد، زیرا نسبت سهم زنان در تعلیم و تربیت ۲/۳ مردان است.

**طبق آمار، اکثریت زنان شاغل، کارکنان مشاغل علمی و تخصصی می‌باشند و برای اینکه اینگونه مشاغل را کسب نمایند لزوماً می‌باید تخصصهای لازم را بیابند. به همین دلیل تا دریافت تخصصهای لازم وارد بازار کار نمی‌شوند، لذا میزان فعالیت زنان کم می‌شود.**

همچنین در اشتغال، وضع زنان به طور قابل ملاحظه‌ای بد است. متوسط درآمد زنان فقط ۵۱٪ درآمد مردان است و به طور وسیعی از وضعیتهای تصمیم‌گیری محرومند و تنها ۷٪ مشاغل مدیریتی را دارا هستند. در فعالیتهای سیاسی هم حضورشان کم است. زنان بعد از جنگ جهانی دوم حق انتخاب شدن در پارلمان را یافتند. اکنون ۲٪ اعضای پارلمان را زنان تشکیل می‌دهند، معهذاً یک یا دو

زن به موقعیتهای مهم رسیده‌اند و تعدادی از زنان در میان مؤسسين احزاب اجتماعی هستند. در حقوق قانونی به طور کلی جامعه پدرسالاری ژاپن در حال تغییر در جهت شناسایی بیشتر زنان است. فقط در سال ۱۹۸۰ حقوق زنان ژاپنی از ۱/۳ دارایی شوهرانشان به ۱/۲ افزایش پیدا کرد.

#### تبعیضات شغلی میان زنان و مردان

در یک اقتصاد آزاد در مرحله صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی، بازار کار خصوصیتی را پیدا می‌کند که وجه افتراق بین فعالیت اقتصادی زن و مرد در آن تجلی می‌گردد. در چنین مرحله‌ای فرصتهای اشتغال در دو گروه مشاغل درجه اول و درجه دوم و با حاشیه‌ای تفکیک می‌شود. یکی از مظاهر کاملاً روشن این فرآیند دوگانگی جنسی از نظر اشتغال است. در نتیجه، در آموزش و تربیت حرفه‌ای و آینده شغلی اولویتهای را در مراحل مختلف آن که چنان مشهود است برای مردان قائل می‌شوند. معمولاً آموزش و تربیت حرفه‌ای توأمأ در حرکتند و آموزش دسترسی به تربیت حرفه‌ای را امکان‌پذیر می‌سازد.

در جامعه‌ای که فرصتهای اشتغال با برخورداری از قابلیت انسان گسترش می‌یابد، امکان دارد زنان بیشتر به مشاغل دسته دوم هدایت شوند. این امر به خاطر این است که زنان به آموزش و تربیت



حرفه‌ای دسترسی کامل پیدا نکرده‌اند و هنوز هم از کار کردن در جامعه کاملاً مأیوس نشده‌اند. لذا این مشاغل را از روی ناچاری می‌پذیرند.

### نقش نیروی تحصیلکرده در افزایش تولید و بهره‌وری

نظریه سرمایه انسانی بر این اصل مبتنی است که آموزش، تواناییهای افراد را افزایش می‌دهد و از طریق ایجاد مهارت و تخصص در آنان بر قدرت تولید ایشان می‌افزاید. بهره‌وری میان کالا و خدمتی است که نیروی کار در هر واحد از زنان تولید می‌کند. آموزش از جمله عوامل مهمی است که بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد.

به‌طور کلی آموزش از سه طریق بهره‌وری عامل کار را افزایش می‌دهد:

۱- افراد تحصیل کرده در واحد زنان، حجم کار بیشتری را انجام می‌دهند و کار آنان از ارزش والاتری برخوردار است.

۲- افراد تحصیل کرده می‌توانند منابع موجود را به گونه مطلوبتری به کار گرفته و بدین طریق تولید را افزایش دهند.

۳- افراد تحصیل کرده در شرایط مساوی، قادرند اختراع، اکتشاف و نوآوری بیشتری را انجام دهند که این نیز بهره‌وری را به سرعت افزایش خواهد داد. بنابراین هر قدر افراد از تحصیلات بیشتری برخوردار باشند، بهره‌وری تولید و

سطح درآمد خودشان بیشتر خواهد بود. چنانچه در بازار رقابت کامل دستمزد و درآمد براساس قدرت تولید و بهره‌وری نهایی نیروی کار تعیین شود، در واقع تواناییها و مهارتهای افراد است که سطح دستمزد آنان را مشخص می‌نماید. از آنجا که قسمتها در شرایط رقابتی منعکس‌کننده کمیابی نسبی عوامل تولید می‌باشند، در این صورت درآمد یا دستمزد نیروی کار قیمتی است که حاکی از کمیابی نیروی متخصص و بهره‌وری بالای آن می‌باشد، دستمزد نیروی کار از طریق عرضه و تقاضای این نیرو در بازار تعیین می‌شود.

شایان ذکر است که مدارک دانشگاهی نمی‌تواند ملاک بسیار مناسبی برای تشخیص تواناییهای نیروی کار متقاضی در صنعت باشند. این مدارک نشان‌دهنده متوسط تواناییهای فارغ‌التحصیلان است. چه بسا بسیاری از

### نتایج مشارکت زنان در اشتغال

۱- اشتغال زنان به کارهای غیرخانگی از بار تکفل می‌کاهد، این مسأله در کشورهای صنعتی بدین قرار است که هر یک متکفل زندگی یک نفر است در حالی که در کشورهای در حال توسعه هر فرد متکفل زندگی ۴ نفر می‌باشد. کاسته شدن بار تکفل میزان درآمد سالانه را بالا می‌برد و یکی از شاخصهای توسعه میزان بار تکفل است.

۲- هرگونه افزایش فرصتهای شغلی

زنان را به سوی کاهش باروری می‌کشاند و آگاهی آنان را از این امر بیشتر می‌نماید، کاهش باروری و کاهش رشد جمعیت درآمد سرانه را بالا می‌برد.

۳- سن ازدواج به جهت کسب شغل بهتر و داشتن تخصص و مهارت‌های لازم بالا می‌رود و این امر بر کاهش باروری مؤثر است.

۴- دسترسی مادران به فرصت‌های آموزشی بیشتر شده و این مسأله در رشد فرزندان تأثیر مثبت دارد.

۵- تقویت حس استقلال و تأثیر آن در افزایش تصمیم‌گیری‌های زن در خانواده یکی از نتایج مشارکت زنان در اشتغال است.

۶- کم‌رنگ شدن گرایش به داشتن پسر به عنوان تکیه‌گاهی در آینده برای مادر که این عدم توجه به داشتن اولاد ذکور تعداد موالید را کمتر می‌کند، بنابراین بر میزان باروری تأثیر منفی می‌گذارد.

با در نظر گرفتن این امر که مشارکت زنان در اشتغال فواید زیادی دارد باید آن را با توجه به ساختار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد نظر مطرح کرد.

۷- یکی از اثرات مشارکت زنان مربوط به اثر آن بر تحرک جمعیت است. در بیشتر اقتصادهای کم درآمد به خصوص در نواحی شهری، بیکاری به‌عنوان یک مشکل اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌شود.

**از آنجا که اگر نیروی انسانی در یک بخش متراکم شود نیروی کار ارزان می‌شود و رقابت جهت کسب آن حرفه بیشتر می‌گردد، لذا امکان دستیابی به شغل برای همه زنان موجود نیست و اغلب دچار یأس شده و در خانه می‌مانند.**

این مشکل چه بسا با کشیده شدن سیل جویندگان کار به شهرها تشدید می‌شود. اما پایین بودن نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در نواحی شهری صرفاً این کوشش و در نتیجه رشد جمعیت شهری را ترغیب می‌کند، بیکاری شهری را دامن می‌زند و در همان حال نواحی روستایی را از نیروی کار مردان تهی می‌سازد و به این ترتیب درآمد و تولید روستایی را کاهش می‌دهد. اگر نرخهای پایین کار زنان در نواحی شهری افزایش یابد فرصت‌های کار شهری برای مهاجران بالقوه رو به کاهش می‌رود و خود این امر سبب کاهش مهاجرت مردان روستا به شهر خواهد بود و به عکس پایین رفتن نرخ فعالیت زنان روستایی باعث پایین رفتن تولیدات کشاورزی و تشدید انگیزه

مهاجرت به شهر توسط مردان می‌گردد. بنابراین سطح فرصت‌های اقتصادی برای زنان در نواحی شهری و روستایی عامل مهمی برای رسیدن به توزیع متوازن جمعیت بین شهر و روستا است.

بنابراین، اشتغال زنان در جامعه شهری و روستایی به جهت نوع مشاغل تا حدی متفاوت است، در سطح روستا هرچه آموزش حرفه بیشتر باشد و تجربه شغلی افزایش یابد و زنان همراه مردان در استفاده از تکنولوژی‌های جدید مربوط به بهبود وضعیت کشاورزی و همچنین صنایع دستی آموزش‌های لازم را ببینند باعث رشد اقتصادی کشور خواهند شد.

در سطح شهرها هرچه زنان تحصیلات عالی و تخصص‌های عالی داشته باشند و تخصص‌های لازم جهت کسب مشاغل بالاتر را بیابند مؤثرتر خواهند بود، ایجاد کلاس‌های مختلف جهت آموزش مهارت‌ها و کسب اطلاعات برای استفاده از تکنولوژی‌های جدید شرایط بهتری را در اقتصاد کشور ما ایجاد خواهد کرد. به طور مثال آموزش زنان در زمینه‌های مختلف علوم کامپیوتر برای شرکتها و سازمان‌های مختلف تولیدی و خدماتی و آموزشی نقش ارزنده‌ای در توسعه کشور خواهد داشت.

همانطور که در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف دولت تشویق بانوان تحصیلکرده و متخصص با



تجربه برای احراز سمتهای مدیریت و مشاغل ستادی به منظور امکان استفاده از کارایی آنها در سطوح عالی اجرایی می‌باشد، همچنین تسهیلات لازم برای استفاده از تواناییهای زن کارشناس متخصص و تحصیلکرده می‌باید فراهم آید به گونه‌ای که اتمام آنان به ایفای نقش خود در خانواده و شرایط زندگی، منجر به کناره‌گیری از فعالیت اجتماعی نشود. (دویست و هشتاد و هشتمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی).

به‌طور کلی اگر از بعضی تنگ‌نظری‌ها نسبت به زنان که در جامعه ما وجود دارد بگذریم، شرایط تا حدودی برای مشارکت زنان در صحنه‌های مختلف فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود است که با توجه به دولت در این زمینه و آگاهی و حرکت خود زنان، این نیروی بالقوه به کار گرفته خواهد شد تا بتوانیم گامی در جهت توسعه برداریم.

### میزان سواد زنان شاغل

فرانک یکی از نظریه‌پردازان وابستگی است که در توجیه نظری عقب‌ماندگی استدلال می‌نماید، که مراکز بزرگ سرمایه‌داری (مادر شهر جهانی) به رشد و توسعه مادر شهرهای ملی در کشورهای توسعه نیافته کمک می‌نماید و از این فراگرد، پیوندی عمیق از

نقطه‌نظرهای اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و فرهنگی بین مادر شهر جهانی و مادر شهرهای ملی به وجود می‌آید و این دو در استعمار طبقات محروم مشترکاً اقدام می‌نمایند، به‌طوری که اگر بخشهایی از جامعه قادر به هماهنگی با سیر تکامل ساخت جدید نباشند سرانجام حذف می‌گردند.

در رابطه با مسئله کار، این دیدگاه بر این باور است که روابط سلطه‌جویانه زن و مرد را بدون توجه به آنها در متن شیوه تولید نمی‌توان فهمید. از این نقطه‌نظر فهمیدن این که چگونه شیوه تولید بر زمان جهان سوم اثر می‌گذارد جزئی از سیستم بین‌المللی براساس وابستگی می‌باشد.

اگر سرمایه‌داری صنعتی زنان را از نقطه‌نظر اقتصادی به وابستگی می‌کشد، سرمایه‌داری وابسته موقعیت آنان را مشکل‌تر می‌سازد، برخلاف تجربه اقتصاد سرمایه‌داری، سرمایه‌داری در کشورهای وابسته کارگران را به اندازه‌ای از کشاورزی بیرون می‌راند که بخش صنعت قادر به جذب آنها نیست، از خصوصیت این اقتصادهای وابسته رشد سریع بخش خدمات است و زنان مشاغلی را در این بخش احراز می‌کنند که دارای موقعیت پایین‌تر است. معمولاً در تولید ناخالص ملی تأثیری نمی‌گذارد این نظریه تفاوت

بین کار تولید و کار خانگی را حذف می‌کند.

### خلاصه بحث

یکی از شاخصهای توسعه میزان فعالیت عمومی زنان می‌باشد که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. زنان می‌توانند جهت ارتقاء سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نقش عمده‌ای داشته باشند، اما متأسفانه در حالی که اشتغال مردان با مشکل مواجه است اشتغال زنان با صد چندان مشکل روبروست. شرایط تبعیض‌آمیز در بدو ورود به شغل، نداشتن مهارتها و تخصصهای لازم، امتناع کارفرمایان از استخدام زنان و... از جمله بالارفتن میزان تحصیلات و ورود دیرنگام به بازار کار مورد بررسی قرار گرفته است.

ضمن بررسی تئوریهای موجود در توسعه به این نتیجه رسیده‌ایم که کشورهای جهان سوم با توجه به خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود باید از الگوهای توسعه استفاده نمایند. در حالی که به کارگیری زنان حتی در کشورهای توسعه یافته با مردان برابر نیست و حقوق و دستمزد آنان پایین‌تر می‌باشد، اطلاعات داده شده در مورد وضع زنان در جهان و در بعضی کشورها مانند ژاپن گویای این مطلب است.